

گفت و گو با دزد تلفن همراه در بزرگراه‌های تهران

## گوشی ۱۰۰ میلیونی را ۱۵ میلیون تومان می‌فروختم

تمام صورتش پر از خط چاقوست و اگر بشماری رد بیش از ۱۵ جای چاقو روی صورت و گردنش است. سعی کرده جای چاقوها را پشت تنو مخفی کند. روی گلویش یک جغده را تنو کرده و می‌گوید عاشق این حیوان است چون حواسش به دور و برش است. او جزو حرفه‌ای‌ترین

سارقان گوشی تلفن همراه است و با وجود سن کم، چند سابقه کیفری دارد. این هفته رودروی این سارق نشستیم و او از سرقت‌هایش برای ما گفت.

امیر علی حقیقت طلب  
تیش

رودرو

# تیش

۲ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم  
چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۱



۱ نقش تو چه بود؟

من گاهی را کب موتور بودم و گاهی یکن بودم.

۲ چندتا سرقت انجام دادی؟

۵۰ گوشی با همدستم سرقت کردم.

۳ پس سرقت از افراد مشهور مثل مربی فوتبال در اتوبان مدرس

کار تو بود؟

خیر. این جرم را به من نچسبانید. من آن گوشی را ندزدیدم. تهران هزاران دزد دارد ولی کار من نبود.

۴ گوشی‌های سرقتی را چه می‌کردی؟

مالخر داشتیم و به او در مرکز شهر می‌فروختم.

۵ گوشی‌های چند میلیونی را مفت می‌دادید به مالخر؟

کار دزدهای تازه‌کار است. چه کسی آیفون ۱۳ را مثلاً سه میلیون می‌فروشد؟ من گوشی آیفون ۱۳ را حدود ۱۵ میلیون به مالخر می‌فروختم.

۶ پس درآمدت خوب بود؟

پول دزدی خوب است و اولش مزه می‌دهد ولی بعد از مدتی که جرمت زیاد می‌شود، ترس دستگیری اجازه نمی‌دهد از پول دزدی لذت ببری.

۷ دلت به حال مالباخته‌ها نمی‌سوخت؟

نه، چرا بسوزد؟ کسی که گوشی ۱۰۰ میلیونی دست می‌گیرد و مراقبت نمی‌کند تا دزدیده شود، دلسوزی ندارد.

۸ پول‌های سرقتی را چه کردی؟

زندگی کردم و خرج زندگی شد. البته چند ماهی بدون دغدغه زندگی کردم تا این که دستگیر شدم و حالا هم باید چندسالی را به زندان بروم تا ببینم چه می‌شود.

۱ خودت را معرفی کن.

فریدون معروف به «فری جغد» هستم و ۲۶ سال دارم.

۲ سابقه داری؟

بله. چهار بار به جرم سرقت دستگیر شده‌ام.

۳ از چند سالگی جرایمت را شروع کردی؟

از وقتی درس را کنار گذاشتم. دوم دبیرستان به سمت کار رفتم ولی خیلی زود فهمیدم با کار به اهداف نمی‌رسم.

۴ اولین بار خودت دست به سرقت زدی؟

نه. در قهوه‌خانه یکی از دوستانم گفت تو موتورسوار خوبی هستی، بیا با هم سرقت کنیم و پول خوبی بگیر. آن موقع سه برابر حقوقم پیشنهاد داد که قبول کردم.

۵ این دستگیری‌ها باعث نشد پشیمان شوی؟

خط خطی‌های روی صورتم را ببین. من از ۱۸ سالگی در خلاف افتادم و این خط‌ها برای دعوای محلی است. من دیگر درست بشو نیستیم. شاید بعدها توبه کنم اما من در منجلاب جرم غرق هستم.

۶ این بار چرا دستگیری شدی؟

به خاطر موبایل قاچی.

۷ در کدام خیابان دستگیر شدی؟

من خیابان برو نیستیم. با همدستم در اتوبان‌ها سرقت می‌کردیم. بیشتر در اتوبان همت، مدرس و رسالت سرقت می‌کردیم.

۸ چگونه؟

خیلی راحت. در ترافیک از راننده‌هایی که با موبایل کار می‌کردند و شیشه ماشین‌شان پایین بود، سرقت و زود فرار می‌کردیم.

## برای فروش مواد باید اعتیادت را ترک کنی

خانهاش در جنوب تهران، معدن حشیش بود. خودش فکر نمی‌کرد پلیس روزی سراغش برود. زن جوان، خوش چهره و خوش لباس است و با دستبند و پابند راهی مرکز پلیس مبارزه با مواد مخدر در خیابان شاپور تهران شده است. او یکی از بزرگ‌ترین فروشندگان حشیش در جنوب تهران است. در ادامه، گفت و گو با این مترجم را می‌خوانید.

۱ فقط حشیش می‌فروختی؟

وقتی فقط در حوزه فروش یک ماده مخدر کار کنی، می‌توانی خودت را زود بالا بکشی. این خرده فروش‌هایی که هر ماده مخدری را می‌فروشند، هیچ وقت پیشرفت نمی‌کنند. من مشتریان ثابت خودم را داشتم و می‌دانستم در روز چقدر مواد برای فروش لازم دارم.

۲ همه‌اش متعلق به خودت بود؟

خیر. از بالاسری می‌خریدم یا امانت می‌گرفتم و درصد فروش را برداشته و سهم او را می‌دادم.

۳ می‌دانی چه مجازاتی در انتظارت است؟

زندانی. من درآمد، خانه و خودرو داشتم و حال باید تاوان کار خلافم را پشت میله‌های زندان بدهم. همیشه به این روز فکر می‌کردم و می‌دانستم یک روز دستگیر می‌شوم اما زندگی‌ام را در آن متوقف نکردم و به فروش حشیش ادامه دادم.

۴ ارزشش را دارد؟

برای من بله، چون از معتاد خیابانی شده بودم خانم خودم و بیش از ۱۵ نفر زیر دستم کار می‌کردند و بله قربان‌گوی من بودند. شاید اگر وارد این کار نمی‌شدم تا الان جنازه‌ام به عنوان معتاد کارتن خواب در جوی آب پیدا شده بود.



من تخصصی حشیش می‌فروشم.  
۱ چقدر مواد از خانه‌ات کشف شد؟  
۲۵ کیلوگرم حشیش.

شدم مسئول تامین مواد مخدر جنوب تهران و چند ساقی زیر دستم کار می‌کنند.  
۱ چه مخدري می‌فروشی؟

۱ خودت را معرفی کن.

ثریا ۴۲ ساله معروف به خاله ثریا هستم.

۲ سابقه داری؟

فکر کنم شش بار سابقه دارم که همه‌اش مربوط به فروش مواد مخدر است.

۳ معتادی؟

بودم ولی ترک کردم.

۴ چه شد به این راه کشیده شدی؟

قصه‌اش مفصل است. اول که دچار اعتیاد شدم، برای این که پول مواد ندهم برای ساقی خودم مواد فروشی می‌کردم. کم‌کم دیدم چه درآمدی دارد و اعتیادم را ترک کردم. ساقی مرا به نفر بالا دستی معرفی کرد و کارم را به عنوان فروشنده خرده پا شروع کردم. درآمد در سال ۹۵ به روزی دو میلیون هم می‌رسید که راضی بودم.

۵ چرا ترک کردی؟

وقتی خودت معتاد باشی، در این کار نمی‌توانی موفق باشی.

۶ به این کار ادامه دادی؟

چرا ادامه ندهم؟ این قدر خوب کار کردم که خودم